

جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه

نوشتهٔ آسفا کومسا

ترجمهٔ اسماعیل مردانی‌گیوی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده: بین‌المللی‌شدن تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، با بهره‌گیری از مقررات‌زدایی از بازارهای مالی به افزایش ادغام اقتصادی و اتحاد منطقه‌ای منجر شده است. عمده‌ترین تأثیر تحولات ساختاری اخیر در اقتصاد جهانی، ایجاد وابستگی متقابل جهانی و یک دهکدهٔ اقتصادی جهانی است.

اگرچه یکپارچگی اقتصاد جهانی پدیدهٔ جدیدی نیست، اما از لحاظ کیفی نسبت به گسترش اولیهٔ تجارت بین‌الملل کاملاً متفاوت است، به طوری که در اقتصاد جهانی امروز، بازیگران اصلی عبارت‌اند از شرکت‌های چندملیتی، بازارهای روبه‌گسترش مالی و سرمایه و نیز تکنولوژیهای اطلاعاتی و کامپیوتر.

از آنجا که تأثیر جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی در همه جای جهان ملموس است، سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی موجب رفاه در کشورهای در حال توسعه می‌شود یا به تشدید فقر می‌انجامد؟ آیا این دو پدیده به تداوم نابرابری منطقه‌ای و اجتماعی-اقتصادی منجر نمی‌شود؟

دانشمندان علوم اجتماعی به بحث و بررسی دربارهٔ این دو مفهوم، ارتباط آنها با یکدیگر و تأثیری که کاربرد آنها در رشد و رفاه کشورهای در حال توسعه دارند، پرداخته‌اند که این مقاله نمونه‌ای از آن است.

کلید واژه‌ها: ۱. جهانی‌شدن، ۲. منطقه‌گرایی، ۳. اقتصاد جهانی، ۴. کشورهای در حال توسعه، ۵. پیامدهای جهانی‌شدن.

مقدمه

فرامرزی و اقتصاد جهانی شده است. بین‌المللی‌شدن تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، که به مدد مقررات‌زدایی از بازارهای مالی در سراسر جهان

طی چند دههٔ گذشته تحولات ساختاری در اقتصاد جهانی موجب پیدایش و تشدید روابط اقتصادی

از اوایل دهه ۱۹۸۰، نه تنها بر شمار شرکت‌های چندملیتی افزوده شده، بلکه سهم آنها در سرمایه‌گذاری خارجی به شدت افزایش یافته است. در اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۳۷۰۰۰ شرکت چندملیتی وجود داشت که ۱۷۰۰۰۰ شرکت وابسته را کنترل می‌کردند و سهم آنها از بازار جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) حدود ۲ تریلیون (دو هزار میلیارد) دلار بود [۴]. در حال حاضر، گردش مالی سالانه برخی از شرکت‌های چندملیتی از تولید ناخالص ملی برخی از کشورهای در حال توسعه بیشتر است.

جهانی شدن همچنین از طریق افزایش نقش بازارها و نهادهای مالی که بر روابط اقتصادی جهانی تسلط دارند، تقویت شد. مقررات زدایی از بازارهای مالی و سیاست آزادسازی ارز خارجی هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش جریان سرمایه در بین کشورها و موجب ادغام هرچه بیشتر اقتصاد جهانی شد.

از آنجا که تأثیر جهانی شدن و منطقه‌گرایی در همه جای جهان ملموس است، دانشمندان علوم اجتماعی به بحث و بررسی درباره این دو مفهوم، ارتباط آنها با یکدیگر و تأثیری که کاربرد آنها می‌تواند در رشد و رفاه کشورهای در حال توسعه داشته باشد، پرداخته‌اند. در میان این دانشمندان، طبعاً اختلاف نظر فراوان وجود دارد. برخی از آنان نظیر هیرست^۳ [۵] این سؤال را مطرح می‌کنند که

به وقوع پیوسته، موجب افزایش ادغام اقتصادی و اتحادهای منطقه‌ای شده است [۱]. تقسیم کار جدید و بهره‌گیری کاملاً متفاوت و کیفی از منابع، تولید، و انباشت سرمایه پدید آمده است. مهمترین تأثیر تحول ساختاری اخیر در اقتصاد جهانی ایجاد وابستگی متقابل جهانی و یک دهکده اقتصادی جهانی است.

اگر چه ادغام اقتصاد جهانی دقیقاً یک پدیده جدید نیست، اما این تحولات ساختاری نوعی تغییر کیفی در سازماندهی بازار جهانی به حساب می‌آید، یعنی تغییر جهت از تجارت بین‌المللی به سوی تولید بین‌المللی و سلطه مالی بین‌المللی و صنایع هوشمند است [۲]. همان‌طور که کوک^۱ و کِرک‌پاتریک^۲ می‌گویند:

بین‌المللی شدن فعالیت اقتصادی یک پدیده جدید نیست... اما رشد همگرایی و ادغام بین‌المللی از لحاظ کیفی نسبت به گسترش اولیه تجارت بین‌المللی کاملاً متفاوت شده است، به این معنی که در آن تشدید روابط اقتصادی که مرزهای ملی را در هم می‌نوردد اغلب در سطح کارکردی اتفاق می‌افتد [۳].

در سالهای اولیه ادغام اقتصادی، تجارت بین‌المللی و کاهش موانع تجاری نقش اصلی را در ادغام اقتصاد جهانی باز می‌کردند در حالی که در اقتصاد جهانی امروز، بازیگران اصلی عبارت‌اند از شرکت‌های چندملیتی و بازارهای در حال رشد مالی و سرمایه و همین‌طور تکنولوژیهای اطلاعاتی و کامپیوتر.

1. Cook 2. Kirkpatrick
3. Hirst

رفتار ما وجود ندارد. برخی دانشمندان سعی کرده‌اند که جهانی شدن را به عنوان یک مفهوم سیاسی [۹] تعریف کنند در حالی که دانشمندان دیگر به تبیین این مفهوم در چارچوب تحولات اخیر اقتصادی، سیاسی و زیست-محیطی پرداخته‌اند [۱۰]. برخی دانشمندان به آثار مثبت جهانی شدن پرداخته‌اند، در حالی که دیگران آثار نامطلوب آن بر درآمدها، نابرابریهای اجتماعی، زنان، و تهی‌دستان را مورد توجه قرار داده‌اند [۱۱]. عده دیگری از دانشمندان بر تأثیر جهانی شدن بر دولت-ملت تأکید دارند و بر این باورند که «دولت-ملتها به عنوان واحدهای پراهمیتی برای مشارکت در اقتصاد جهانی بدون مرز کنونی، مدتهاست که نقش خود را از دست داده‌اند» [۱۲]. چون جهانی شدن تأثیرات مهمی بر دولتها، افراد و جوامع گوناگون دارد، از اینرو ضروری است تعریف دقیق و روشنی از این مفهوم مهم و در عین حال پیچیده و مبهم و کاربرد آن ارائه شود. به عبارت ساده‌تر، جهانی شدن ادغام اقتصاد جهانی را می‌رساند، به این معنی که آنچه در یک گوشه از جهان اتفاق می‌افتد، دارای پیامدهایی در محیط اجتماعی-اقتصادی و شیوه زندگی افراد و جوامع در سایر نقاط جهان است. به قول مک‌گرو^۱ جهانی شدن عبارت است از:

... برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولتها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی می‌انجامد، و نیز فرایندی که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیتها

آیا اصولاً چیزی به نام جهانی شدن اقتصاد وجود دارد؟ در حالی که دیگران [۶] بر این باورند که یک شکل ادغام اقتصادی جدید و کاملاً کیفی زمینه را برای ظهور جهانی شدن و منطقه گرایی فراهم کرده است. همچنین، دانشمندان علوم اجتماعی بر آنند که آیا جهانی شدن و منطقه گرایی موجب افزایش رفاه در کشورهای در حال توسعه می‌شود یا آنها را بیش از پیش به حاشیه می‌راند؟ و اگر فرض اخیر درست باشد، آیا این دو پدیده به تداوم نابرابری منطقه‌ای و اجتماعی، اقتصادی منجر نمی‌شود؟

در این مقاله سعی شده است که جوهر جهانی شدن و منطقه گرایی، ارتباط آن دو با یکدیگر، و نتایجی که الزاماً برای کشورهای در حال توسعه خواهند داشت، مورد بررسی قرار گیرد.

جهانی شدن

جهانی شدن واژه رایج دهه ۱۹۹۰ است. جهانی شدن به عنوان فرایندی از تحول، مرزهای سیاسی و اقتصادی را در هم می‌نوردد و علم، فرهنگ، و سبک زندگی را نیز دربرمی‌گیرد [۷]. در این صورت، جهانی شدن «یک پدیده چندبعدی است که قابل تسری به اشکال گوناگون فعالیتها مانند فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری و همچنین جایگاه فعالیتهای اجتماعی همچون محیط زیست است» [۸].

هیچ اتفاق نظری بین دانشمندان در مورد تعریف دقیق جهانی شدن یا تأثیر آن بر زندگی و

علل جهانی شدن

عوامل گوناگونی در ظهور جهانی شدن دخیل بوده‌اند. یکی از این عوامل رشد بازار مالی جهانی است. اخیراً، حجم بازارهای مالی در مقایسه با حجم تجارت جهانی به سرعت رشد کرده و به یک عامل مهم و نیروی پیش‌برنده در زمینه ادغام جهانی تبدیل شده است. به گفته دراکر^۲ «... حرکت سرمایه برخلاف تجارت کالا و خدمات به عنوان موتور و نیروی محرکه اقتصاد جهانی درآمده است» [۱۵]. سرمایه جهانی با تسهیلاتی که سیاست مقررات‌زدایی و آزادسازی کشورهای غربی برای آن ایجاد کرده است هم از لحاظ تحرک و هم از لحاظ حجم گردش سالانه افزایش یافته است. بر همین اساس در سال ۱۹۹۵:

... روزانه ۱۲۰۰۰ میلیارد دلار ارز خارجی معامله می‌شود. این مقدار تقریباً حدود ۵۰ برابر ارزش تجارت جهانی کالا و خدمات است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ و قبل از آزادسازی بازارهای سرمایه جهانی، ارزش معاملات ارز فقط ۶ برابر ارزش تجارت «واقعی» بود [۱۶].

با ظهور ارز اروپایی و رشد شتابان سرمایه خصوصی، درک سنتی سرمایه که مختص یک کشور خاص بود، معنی و مفهوم خود را از دست داد. به عبارت دیگر، سرمایه آنچنان بین‌المللی شد که رنگ و بوی ملی خود را از دست داد، و کنترل و قاعده‌مند کردن جریان مالی در بین کشورها بسیار

در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخشهای کاملاً دور کره زمین داشته باشد [۱۳].

جهانی شدن حاصل یکپارچگی اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی است. به دنبال فروپاشی نهادهای برتون و وودز^۱ در اوایل دهه ۱۹۷۰، مقررات‌زدایی از بازارهای مالی (از جمله نرخهای بهره‌وری و نرخهای ارز) اتفاق افتاد، و از اینرو جریان سرمایه در میان ملتها تقویت شد. تا آن زمان، نظام مالی جهان تحت سلطه توافق‌نامه‌های ۱۹۴۵ برتون و وودز قرار داشت. این نظام برای نرخ ثابت مبادله بر مبنای ارزش پولها در مقابل دلار و طلا قرار داشت. وقتی نظام برتون و وودز در سال ۱۹۷۱ در زمان دولت نیکسون فروپاشید، و نرخ شناور مبادله جای آن را گرفت، شالوده بازار جهانی بنیان نهاده شد.

شالوده بازار جهانی با رواج دوباره ایدئولوژی بازار آزاد، آزادسازی، خصوصی‌سازی، و مقررات‌زدایی به‌عنوان «تنها راه ممکن» پس از به قدرت رسیدن محافظه‌کاران، یعنی رونالد ریگان در ایالات متحد، و مارگارت تاچر در بریتانیای کبیر، باز هم تقویت شد. همچنین با فروپاشی بلوک اقتصاد سوسیالیستی و ظهور تفکر لیبرال به عنوان مکتب فکری مسلط و غیرقابل چالش [۱۴] شالوده بازار جهانی بیش از پیش تقویت شد. تمامی این عوامل به ایجاد فضای مناسب برای جریان آزاد کالاها، خدمات، و نیز اعتبارات مالی منجر شد و در نتیجه به ایجاد اقتصاد ادغام شده جهانی انجامید.

1. Bertton Woods

2. Drucker

جدول ۱. رشد جهانی سرمایه گذاری مستقیم خارجی

طی سالهای ۱۹۸۱-۹۰

رشد سالانه (درصد)		
۱۹۸۶-۹۰	۱۹۸۱-۸۵	
تمام کشورها		
۲۴	۴	جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۱۰	۰٫۵	سرمایه گذاری ناخالص ملی (محلی)
کشورهای پیشرفته		
۲۴	۳	جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۱۱	۲	سرمایه گذاری ناخالص ملی (محلی)
کشورهای در حال توسعه		
۱۷	-۴	جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۹	-۳	سرمایه گذاری ناخالص ملی (محلی)

منبع: گزارش سرمایه گذاری جهانی، انتشارات سازمان ملل، سال ۱۹۹۳، ص ۱۵.

نتیجتاً میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سالهای اخیر به شدت رشد کرده است (جدول ۱). این امر تا حدودی با توسعه تکنولوژی ارتباطی و حمل و نقل حاصل شده است.

به گفته بویزیبر^۱ «... پیشرفت تکنولوژی امکان تقسیم بندی فرایندهای تولید را به مراحل مختلف در مکانهای گوناگون بدون آسیب رساندن به کارایی و سودآوری فراهم کرده است» [۱۷]. به خاطر سطح بالای تخصص، ساختار تولید کارخانه‌ای نیز آنچنان متحول شده است که امکان تولید قطعات گوناگون در کشورهای مختلف و هر جایی که مزیت رقابتی برای تولید آن قطعات وجود داشته باشد، فراهم شود. محصول نهایی در یک کشور کاملاً متفاوت تولید یا مونتاژ و از اینرو ایجاد «کارخانه جهانی» و ادغام فرایند تولید میسر می شود.

مشکل شد.

عامل دوم که موجب تقویت ادغام اقتصاد جهانی شد، فروپاشی نظام سوسیالیستی و پایان جنگ سرد بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد موجب گسترش بازار جهانی و تعمیق روابط اقتصادی شد. امروز، بجز جمهوری دموکراتیک کره، تقریباً تمام کشورهای جهان، در بازار جهانی ادغام و به بخشی از آن تبدیل شده‌اند. حتی، کشور کوبا که یک حزب کمونیست دو آتش بر آن حکومت می کند، تا حد معینی به سرمایه گذاری خارجی اجازه ایفای نقش مهم در اقتصاد خود را اعطا کرده است.

در نتیجه، امروز دیگر جهان به دو قطب و اردوگاه سیاسی به گونه‌ای که در دوران جنگ سرد تقسیم شده بود و ایالات متحد و اتحاد شوروی برای نفوذ ایدئولوژیک خود در آن به رقابت می پرداختند، تقسیم نشده است. امروز، رقابت در بین ملتها دیگر برای سلطه ایدئولوژیک نیست بلکه رقابت بر سر بازار و منابع کمیاب است. در اقتصاد جهانی امروز، آنچه اهمیت دارد مسائل ژئواکونومیک است نه ژئوپلتیک.

عامل سوم جهانی شدن رشد فعالیتهای شرکتهاست. ادغام جهانی حاصل رشد فعالیت شرکتهای چندملیتی است. امروز، تعداد شرکتهای چندملیتی و همچنین حوزه نفوذ آنها گسترش یافته است. شرکتهای چندملیتی به منظور کاهش هزینه تولید و به حداکثر رساندن سود و نیز برای برخورداری از مزیت رقابتی در مقابل دیگران در جهت فتح بازارها به فراسوی مرزهای ملی می روند و در سایر کشورها سرمایه گذاری می کنند.

جدول ۲. متوسط رشد سالانه تجارت جهانی و GDP طی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۹۵ (درصد)

۱۹۹۰-۹۵	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۷۰-۸۰	۱۹۶۰-۷۰	۱۹۵۰-۶۰	
۶ر۲	۵ر۰	۵ر۲	۸ر۳	۶ر۵	تجارت جهانی ^۱
۲ر۰	۳ر۱	۳ر۶	۵ر۳	۴ر۲	تولید جهانی
۴ر۲	۱ر۹	۱ر۶	۳ر۰	۲ر۳	اختلاف

منبع: بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، شاخصهای توسعه جهانی، ۱۹۹۷، ص ۱۲۹.
۱. توجه: صادرات کالاها و خدمات براساس حسابهای ملی

جدول ۳. روندهای بلندمدت در هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات (به دلار آمریکا)

سال	متوسط هزینه مسافرت هوایی به نفر مایل	متوسط هزینه سه دقیقه مکالمه تلفنی بین شهرهای نیویورک و لندن
۱۹۳۰	۰ر۳۸	۲۴۴ر۶۵
۱۹۴۰	۰ر۴۶	۱۸۸ر۵۱
۱۹۵۰	۰ر۳۰	۵۳ر۲۰
۱۹۶۰	۰ر۲۴	۴۵ر۸۶
۱۹۷۰	۰ر۱۶	۳۱ر۵۸
۱۹۸۰	۰ر۱۰	۴ر۸۰
۱۹۹۰	۰ر۱۰	۳ر۳۲

منبع: بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، چشم‌انداز اقتصاد جهانی و کشورهای در حال توسعه، ۱۹۹۲، ص ۴۴.

تمام نقاط جهان را میسر کرده است، باز هم راحت‌تر شده است. در نتیجه، انجام خرید از طریق تلفن و اینترنت، کنفرانس از راه دور، آموزش از راه دور از طریق ویدئو و تلویزیون و حتی «کار کردن از راه دور» به اقداماتی مؤثر، فراگیر، و ارزان تبدیل شده است.

کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات به مفهوم کوچک شدن «مکان» و کوتاه شدن «زمان» است که موجب نزدیکتر شدن و به هم پیوستگی بیشتر کالاها و عوامل بازار شده است [۲۲]. این امر همچنین به مفهوم تحرک بیشتر مردم در داخل

ادغام جهانی از طریق رشد تجارت جهانی و همراه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امکان‌پذیر شده است [۱۸]. همان‌طور که در جدول ۲ اشاره شده است، تجارت جهانی محصولات، بین سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۰ حدود ۴۲ برابر رشد کرده است.

سوم و شاید مهمترین نیروی پیش‌برنده جهانی شدن انقلاب در تکنولوژی اطلاعاتی، ارتباطی و حمل و نقل است که هزینه‌های ارتباط از راه دور و حمل و نقل را کاهش داده و از اینرو اهمیت فاصله در فعالیتهای اقتصادی را به حداقل رسانده است [۱۹].

بین سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۹۶، هزینه سه دقیقه مکالمه تلفنی بین شهرهای نیویورک و لندن از ۳۰۰ دلار (به قیمت سال ۱۹۹۶) به تنها ۱ دلار کاهش یافت [۲۰]. کاهش شدید هزینه‌های ارتباطی و حمل و نقل به نوبه خود ادغام بیشتر بین بازارها، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و فروشندگان را میسر ساخت [۲۱].

فعالیتهای اقتصادی، شامل خرید و فروش کالاها و خدمات، و نیز سایر معاملات مالی را می‌توان با استفاده از شبکه‌های ارتباطی از راه دور هدایت کرد. انجام این کار با استفاده از اینترنت و سایر تکنولوژیهای نوین که نه تنها موجب کاهش هزینه‌های ارتباطی شده بلکه دسترسی به تقریباً

متضادی است به این معنی که از یک طرف به آزادسازی بیشتر می‌انجامد به طوری که حتی گشودن بازارهای ملی یک فضای کاملاً رقابتی ایجاد می‌کند، و از سوی دیگر به برانگیختن احساسات تنگ‌نظرانه ملی منجر می‌شود.

گشایش بیرونی به روند عمومی آزادسازی و مقررات‌زدایی در اقتصاد جهانی اشاره دارد. این امر از طریق کاهش تعرفه‌ها و مالیات واردات که با افزایش جریان کالا و خدمات و نیز عوامل تولید در بین کشور منجر شده است، تقویت می‌شود. گشایش بیرونی و سیاست‌های مقررات‌زدایی نه تنها به افزایش جریان کالاها و خدمات و نیز جریان مالی بین کشورها منجر شده است بلکه اهمیت شهرها و واحدهای منطقه‌ای که به مرکز فعالیت‌های اقتصادی جهان تبدیل شده‌اند، را افزایش داده است. شهرهایی نظیر نیویورک، لندن، دولت - شهر سنگاپور، و منطقه خاص هنگ‌کنگ جمهوری خلق چین همه مثالهایی از این گرایش هستند.

گشایش داخلی اشاره به روندهای اخیر عدم تمرکز سیاسی و اقتصادی دارد که با فرایند ایجاد دمکراسی و انتقال قدرت به مقامات محلی و منطقه‌ای همراه شده است. در جبهه اقتصادی، این گشایش به مفهوم کاهش نقش دولت و برنامه‌ریزی متمرکز در فعالیت‌های اقتصادی و همچنین خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی هماهنگ با قوانین بازار و نهادهای بروتون وودز است. دانشمندان نیز همانند سیاستمداران این مسئله را مطرح می‌کنند که آیا این سیاست‌ها که غالباً ناشی از اهداف کارآمد و سودآوری هستند موجب

و در میان مناطق گوناگون است. در کشورهای در حال توسعه، کاهش نسبی هزینه حمل و نقل همراه با:

فشار شرایط غم‌انگیز در وطن و جاذبه شرایط زندگی بهتر در خارج، باعث شده است که دهها میلیون نفر از مردم از کشورهای فقیر به سوی کشورهای ثروتمند مهاجرت کنند، آن هم در زمانی که نیروی کار فاقد مهارت در کشورهای ثروتمند صنعتی مورد نیاز نیست [۲۳].

چهارمین عاملی که به جهانی‌شدن منجر شده است موضوع بین‌المللی‌شدن مسائل زیست‌محیطی، نظیر گرم شدن زمین و وجود باران‌های اسیدی است. این مسائل زیست‌محیطی جهانی مستلزم راه‌حلهای جهانی هستند به این معنی که همکاری‌های بین‌المللی و هماهنگی سیاستها در آن نه تنها مهم بلکه حیاتی است.

پیامدها

به گفته بویزیر، جهانی‌شدن منجر به باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده است [۲۴]. به این مسئله می‌توان منطقه‌گرایی را نیز اضافه کرد. اهداف بازار جهانی با فرایند تصمیم‌گیری متمرکز سازگاری ندارد. باز شدن بازارهای ملی، اقتصاد هر یک از کشورها را تهدید می‌کند، از اینرو احساسات و تفکر حمایت‌گرایانه در میان گروه‌های ملی‌گرا که به دنبال منطقه‌گرایی و حمایت از بازارهای ملی هستند، افزایش می‌یابد. شگفت این‌که جهانی‌شدن دارای آثار

تقویت رشد و رفاه کشورهای در حال توسعه خواهد شد یا نه؟

جهانی شدن، علاوه بر بین‌المللی کردن بازار جهانی، یک محیط کاملاً رقابتی ایجاد کرده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد می‌توانند دوام بیاورند. از اینرو، دولت-ملتها به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مسائل جهانی حفظ کنند و همچنین به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست یابند، مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل کنند، و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند.

براساس نوشته‌های پراتون^۱ و دیگران [۲۵] منطقه‌گرایی نه فقط دلالت بر افزایش فعالیتها بین کشورهایی دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند، بلکه یک نوع تشدید فعالیتهای بین‌المللی در میان آنهاست که باعث می‌شود تا فعالیتهای اقتصادی در سطح منطقه‌ای و در یک محدوده جغرافیایی به طور شتابانی سازماندهی شوند. در سالهای اخیر، اتحادیه‌های منطقه‌ای متعددی پدید آمده است که عبارت‌اند از اتحادیه اروپا، نفتا، و کشورهای آسیایی.

تأثیر جهانی شدن بر کشورهای در حال توسعه

با توجه به بحثهای فراوان درباره تأثیر جهانی شدن بر رفاه و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، به نظر می‌رسد که دیدگاه غالب این است که ادغام هر چه بیشتر اقتصادی موجب تقویت جریان کالا و خدمات و نیز عوامل تولید می‌شود و از اینرو موجب ارتقای رشد اقتصادی و

رفاه کلیه افراد خواهد شد. این باور وجود دارد که جهانی شدن به تقسیم کار بهتر منجر خواهد شد و به کشورهای در حال توسعه که دارای نیروی کار فراوان هستند اجازه خواهد داد تا در تولید کالاهای کاربر تخصص پیدا کنند و کارگران کشورهای توسعه‌یافته خواهند توانست با بهره‌وری بیشتر، کارها را به انجام برسانند [۲۶]. همچنین این بحث وجود دارد که جهانی شدن این امکان را فراهم خواهد ساخت تا سرمایه در راستای فرصتهای سازنده و خلاق سرمایه‌گذاری به حرکت درآید و از اینرو بازگشت سرمایه افزایش یابد.

سایر صاحب‌نظران [۲۷] دیدگاه بالا را رد می‌کنند و معتقدند که جهانی شدن و منطقه‌گرایی به سود کشورهای دارای اقتصاد نیرومند تمام می‌شود، و از اینرو موجب به حاشیه راندن مناطق و کشورهایی که دارای اقتصاد ضعیف هستند خواهد شد. گفته می‌شود در حالی که جهانی شدن موجب افزایش اهمیت صنایع خدماتی (بخش خدمات) و نیروی کار متخصص می‌شود اهمیت کالاهای اساسی و نیروی کار غیرمتخصص را نیز کاهش می‌دهد. انقلاب در بیوتکنولوژی، میکروالکترونیک و نظایر آنها اهمیت مواد خام را از بین برده است. در نتیجه، کشورهایی که زمانی با بهره‌گیری از منابع طبیعی ثروتمند محسوب می‌شدند دیگر در فهرست کشورهای ثروتمند قرار ندارند. امروز دیگر جای تعجب نیست که آقای بیل گیتز^۲ ثروتمندترین مرد جهان، صاحب

1. Perraton 2. Bill Gates

کشورهای انسدوزی، مالزی و تایلند از ورشکستگی سریعاً دست به کار شدند.

اگرچه ایجاد یک همبستگی و ارتباط بسیار دقیق مشکل است، می توان از روندهای عام موجود در کشورهای در حال توسعه نتایجی به دست آورد و به ارتباط میان جهانی شدن یا منطقه‌ای شدن و موقعیت اقتصادی اجتماعی در این کشورها اشاره کرد. در دو دهه گذشته، سطح فقر به طور دائم افزایش یافته است. بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳ تعداد افرادی که روزانه با معادل کمتر از یک دلار به صورت سرانه زندگی می کردند از ۱۲۲۷ میلیون نفر به ۱۳۱۴ میلیون نفر افزایش یافته است [۳۰]. براساس همان گزارش بانک جهانی، افزایش فقر در آسیای مرکزی بسیار بالاست که عمده ترین دلیل آن فروپاشی نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی و کشورهای شرق اروپاست که در گذشته مردم از مزایای رفاه اجتماعی مورد حمایت دولت بهره مند می شدند.

1. Microsoft

براساس نوشته هفته نامه معتبر بیزنس ویک، شماره ۲۸، ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۹، شرکت مایکروسافت با سهام ۳۳ میلیارد دلاری خود در سال ۱۹۸۹ رتبه ۵۳۹ را در بین ۱۰۰۰ شرکت درجه اول جهان داشت که در سال ۱۹۹۹ ارزش سهام آن به ۴۰۷ میلیارد دلار رسیده و در بین ۱۰۰۰ شرکت برگزیده حائز رتبه اول است. م.

2. Bonvin

۳. می توان به عنوان شاهد مثال به افزایش نرخ دلار در ایران طی خرداد ۷۶ تا خرداد ۷۸ از ۴۶۲ تومان به بیش از ۹۲۵ تومان و نیز افزایش برابری دلار در مقابل لیر ترکیه به میزان ۱۰۰٪ در هر ششماه به عنوان آثار جهانی شدن بر روی این دو کشور و ناتوانی بانکهای مرکزی اشاره کرد. م.

شرکت مایکروسافت^۱ است. پیشرفتهای به وجود آمده در تکنولوژی نه تنها ساختار نهادها را دستخوش تحول کرده بلکه اهمیت آنها را نیز تغییر داده است. صنایع جدید از مواد خام کمتری استفاده می کنند، و در نتیجه اهمیت این مواد از معادله رقابت حذف شده است. در اقتصادهای مدرن، تکنولوژی، دانش و مهارت به عنوان تنها منبع مزیت رقابتی به شمار می آیند [۲۸]. چنین سناریویی کشورهای در حال توسعه را که صادرکنندگان اصلی مواد اولیه و نیروی کار غیرمتخصص هستند در یک موقعیت بسیار نامساعد قرار می هد.

به علاوه، جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه را وادار خواهد کرد که براساس مقررات بازار جهانی عمل کنند و از اینرو اثربخشی سیاستهای توسعه ملی این کشورها محدود خواهد شد. بونوین^۲ [۲۹] بر این عقیده است که: «جهانی شدن بازارهای مالی و مقررات زدایی از این بازارها مستقیماً موجب کاهش استقلال عمل و اثربخشی خطوط مشیهای اقتصاد ملی شده است». رشد بازارهای جهانی سرمایه و تحرک بیش از حد سرمایه های خصوصی موجب تضعیف توان بانکهای مرکزی کشورها برای مدیریت بر نرخ مبادله ارزها و طراحی سیاستهای مؤثر و سالم اقتصاد کلان شده است.^۳

بحران مالی اخیر در برخی کشورهای آسیایی این مسئله را به وضوح نشان داد. به محض اینکه بحران اقتصادی شروع شد، تایلند و سایر کشورهای آسیایی را یکی بعد از دیگری درهم نوردید، صندوق بین المللی پول و کشورهای عمده صنعتی با ارائه یک راه کار مالی و به منظور نجات اقتصادهای بیمار

بوده‌اند، متمرکز و وضعیت نسبی و مطلق آنهایی را که از قبل نیز از آن بی‌بهره بوده‌اند، بدتر هم می‌کند [۳۱].

خلاصه

جهانی شدن قطعاً دارای اثرات مثبتی نظیر انتقال تکنولوژی، افزایش بهره‌وری، و بهبود شرایط زندگی عمده‌ای از افراد در کشورهای در حال توسعه بوده است. اما، همچنان که جهانی شدن دارای خیر و برکت برای برخی از مناطق و گروه‌هاست، در عین حال مناطق و افراد محروم و آسیب‌پذیر را به حاشیه می‌راند و آنان را تنگدست‌تر می‌کند. در بحث مربوط به آثار متضاد جهانی شدن، سین^۱ [۳۲] معتقد است که جهانی شدن:

- امرار معاش و حقوق اغلب افراد را به مخاطره می‌اندازد
- به ایجاد یا تشدید نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی در زمینه‌های جنسیت، نژاد، پایگاه اجتماعی و طبقه منجر می‌شود
- موجب نادیده گرفته شدن نیروی کار و منابع لازم برای بازتولید انسانی می‌شود و از اینرو زنان و اشتغال آنها را ناچیز می‌شمارد
- نابودی محیط‌زیست را موجب می‌شود
- نبود توازن بین نیازهای گوناگون انسانی را با برتر شمردن دستیابی به ثروت مادی در مقابل انسانیت و ارزشهای معنوی تقویت می‌کند و از اینرو به خشونت، از خود بیگانگی و یأس دامن می‌زند و

جدول ۴. توزیع درآمد جهانی، ۱۹۷۰-۸۹

درآمد ناخالص ملی به صورت سرانه	نسبت ۲۰ درصد درآمد بالا به ۲۰ درصد درآمد پایین	
	ضریب جینی ^۱	ضریب
۱۹۷۰	۰٫۷۱	۳۱٫۹
۱۹۸۰	۰٫۷۹	۴۴٫۷
۱۹۸۸/۸۹	۰٫۸۵	۵۴٫۵

منبع: گزارش توسعه انسانی، سال ۱۹۹۲ UNDP.

۱. ضریب جینی که بین صفر (که به مفهوم درآمد مساوی برای کلیه افراد است) و یک (که به معنی کل درآمد برای یک نفر است) در تغییر است و برای اندازه‌گیری نابرابری درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نتیجه، تعداد افراد فقیر و حاشیه‌نشین شدیداً افزایش یافته است.

همچنین نابرابریهای موجود در درآمد جهانی همان‌طور که در جدول ۴ دیده می‌شود، افزایش و ضریب جینی (Gini) بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۹ پیوسته در حال افزایش بوده است. این جدول همچنین نشان می‌دهد که شکاف میان فقرا و ثروتمندان عمیقتر شده است: ۲۰ درصد جمعیت دارای بیشترین درآمد و ۲۰ درصد جمعیت دارای پایتترین درآمد در جدول آمده است.

گرایش روند جهانی شدن، افزایش نابرابری بین ملتها، افراد و مناطق است. فالك، عقیده اغلب افراد را به طور خلاقه چنین بیان می‌کند:

... جهانی شدن به عنوان یک فرایند تاریخی که در متن نظم بین‌المللی شکل می‌گیرد، نشانگر نابرابریهای فاحش در زمینه‌های گوناگون است، و از اینرو مزایای مربوط به رشد را در بخشها و جوامعی که از قبل نیز از آن بهره‌مند

افزایش نرخ ارز منجر خواهد شد... از اینرو تعقیب اهداف ملی جدا از ثبات اقتصاد بین‌المللی و ارزش پول غیرممکن می‌شود [۳۳].»

همچنین یک نگرانی قابل توجه نیز وجود دارد که بنابر آن با توجه به تمرکز فعالیتهای اقتصادی و ثروت در سه قطب آمریکای شمالی، اروپا و آسیای شرقی و حوزه اقیانوس آرام، ممکن است جریان سرمایه به سوی کشورهای در حال توسعه کاهش یابد و اوضاع مالی و اقتصادی نقاط پهناوری از جهان از جمله کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا را وخیمتر نیز بکند. در حالی که در اوضاع و احوال فعلی ممکن است جهانی شدن و منطقه گرایی غیرقابل اجتناب به نظر برسد، با اینهمه یک نیاز بسیار فوری برای پاسخگویی و حل مسائل اجتماعی-اقتصادی که حاصل اقتصاد بازار است، وجود دارد.

● موجب ایجاد تضاد و خشونت می‌شود. در اقتصاد جهانی امروز، اهمیت مواد خام و کارگران ناماهر کاهش می‌یابد در حالی که نیروهای کار ماهر و دانش بویژه در زمینه ارتباطات از راه دور و تکنولوژی کامپیوتری هر لحظه مهمتر می‌شود. این امر ممکن است ملل فقیر را که صادرکننده عمده مواد اولیه و کارگران غیرماهر هستند، در وضعیت دشواری قرار دهد.

جهانی شدن، قوانین و مقررات بازار جهانی را به حکومتها و دولت-ملتها تحمیل می‌کند و از اینرو اثربخشی سیاستهای ملی کشورهای در حال توسعه و از جمله سیاستهای مالی و پولی آنها را محدود می‌کند. همان‌طور که رابرت گیلپین می‌گوید:

«اگر کشوری عرضه پول را برای مبارزه با تورم محدود کند، افزایش نرخ بهره داخلی موجب سرازیر شدن سرمایه‌ها خواهد شد که این به نوبه خود اهداف سیاست اولیه را با شکست مواجه خواهد ساخت و به

مرجعها

1. P. Cook and C. Kirkpatrick, "Globalization, Regionalization and Third World Development", *Regional Studies*, 31 (1:1997):55-66.
 2. Lester Thurow, *The Future of Capitalism: How Today's Economic Forces Shape Tomorrow's World* (New York: Penguin, 1996).
 3. Cook and Kirkpatrick, "Globalization, Regionalization and Third World Development": 53.
 4. *Ibid.*
 5. P. Hirst, "Globalization in Question",
- (Political Economy Research Centre, Occasional Paper; no. 11), (Sheffield: Political Economy Research Centre, 1995).
6. Thurow, *The Future of Capitalism*; and Kenichi Ohmae, *The End of the Nation State* (London: Harper Collins, 1996).
7. Keith Griffin and A. R. Khan, *Globalization and the Developing World: An Essay on the Structural Dimensions of Development in the Post Cold War Era* [Geneva: United Nations Research Institute for Social

- Regional Development: Between the Black Box and the Political Agenda* [Santiago, Chile: United Nations Latin American and Caribbean Institute for Economic and Social Planning (UN/ILPES), 1997].
18. Cook and Kirkpatrick, "Globalization, Regionalization and Third World Development".
 19. Boisier, *The Elusive Goal of Regional Development*.
 20. "One World?", *Economist*, (18 October 1997).
 21. Cook and Kirkpatrick, "Globalization, Regionalization and Third World Development": 54.
 22. T. Straubhaar and A. Wolter, "Globalization, Internal Labor Markets and the Migration of the Highly Skilled", *Intereconomics*, 32 (4:1994): 174-80.
 23. Thurow, *The Future of Capitalism*, p. 9.
 24. Boisier, *The Elusive Goal of Regional Development*.
 25. Perraton *et al.*, "The Globalization of Economic Activity": 258.
 26. *Economist*, "One World?".
 27. Falk, "Resisting 'Globalization-From-Above' through 'Globalization-From-Below'", and Sen, "Globalization, Justice and Equity".
 28. Thurow, *The Future of Capitalism*.
 29. J. Bonvin, "Globalization and Linkages: Challenges for Development Policy", *Development*, 40 (2:1997):41.
 30. International Bank for Reconstruction and Development (IBRD), *World Development Indicators* (Washington, DC: World Bank, 1997).
 - Development (UNRISD), 1992].
 8. J. Perraton *et al.*, "The Globalization of Economic Activity", *New Political Economy*, 2 (2:1997):258.
 9. K. B. Gills, "Editorial, 'Globalization' and the 'Politics of Resistance'", *New Political Economy*, 2 (1:1997):11-5.
 10. A. McGrew, "The Third World in the New Global Order", in T. Allen and A. Thomas, eds, *Poverty and Development in the 1990s* (Oxford: Oxford University Press, in association with the Open University, 1992).
 11. G. Sen, "Globalization, Justice and Equity: A Gender Perspective", *Development*, 40 (2:1992):21-6; and Gills "Editorial".
 12. Ohmae, *The End of the Nation State*, p. 11.
 13. McGrew, "The Third World in the New Global Order", p. 262.
 14. R. Falk, "Resisting 'Globalization-From-Above' through 'Globalization-From-Below'", *New Political Economy*, 2 (1:1997): 17-24.
 15. Quoted in Yue-man Yeung and Fu-chen Lo, "Global Restructuring and Emerging Urban Corridors in Pacific Asia", in Yue-man Yeung and Fu-chen Lo, eds., *Emerging World Cities in Pacific Asia* (Tokyo: United Nations University (UNU), 1996), p. 19.
 16. "Mahathir, Soros and the Currency Markets: Amoral May Be, but Currency Speculators Are Both Necessary and Productive", *Economist* (7 September-3 October 1997):93.
 17. Sergio Boisier, *The Elusive Goal of*

33. R. Gilpin, *The Political Economy of International Relations* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1987), p. 145.

31. Falk, "Resisting 'Globalization-From-Above' through 'Globalization-From-Below'": 19.

32. Sen, "Globalization, Justice and Equity".

مراجع اضافی

United Nations Development Programme (UNDP), *Human Development Report 1992* (New York: Oxford University Press, 1992).

IBRD, *Global Economic Prospects and Developing Countries* (Washington, DC: World Bank, 1992).

United Nations (UN), *World Investment Report* (New York, 1993).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی